

ویژه اول ماه مه روز جهانی کارگر



پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت ۵۹ قیمت به رویمه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

همراه با کار و کسب در استان

جنبش کارگری ایران و اول ماه مه

از روز اول ماه مه ۱۸۸۶ تاکنون ۸۴ سال می‌گذرد و طبقه کارگر جهان هر ساله در هر کجا که هست، چنانچه نتوانسته است این روز را با شکوه هرچه بیشتر جشن می‌گیرد و در این روز خواسته‌های خود را مطرح و همبستگی جهانی خود را به نمایش می‌گذارد. درست در نقطه مقابل سرمایه‌داری

جهانی، با همه توان خویش می‌کوشد که به اشکال مختلف با برگزاری جشن‌های فرمایشی یا در دست گرفتن اتحادیه‌های کارگری... با سرکوب و اعمال دیکتاتوری از اعلام همبستگی کارگران و از به حرکت درآمدن آنان در این روز جلوگیری کند. باید گفت پرولتاریا بزرگداشت این روز را نه به

آسانی بلکه با مبارزات قهرمانانه و خونین خود به سرمایه‌داران تحمیل نموده و آنها را مجبور کرده‌است که این روز را به عنوان روز تعطیل عمومی کار و جشن همبستگی کارگران برسمیت بشناسند و هم‌اکنون در سراسر جهان روز اول ماه مه به عنوان روز جهانی کارگر به رسمیت شناخته

شده و جشن گرفته می‌شود. روز اول ماه مه تنها روز جشن و سرور کارگران سراسر جهان نیست، ایده درخشان اول ماه مه عبارتست از اقدام مستقل توده‌های کارگر و بیان همبستگی طبقاتی کارگران سراسر جهان برگزاری اول ماه مه توسط کارگران سراسر جهان، قدرت و اتحاد

جهانی کارگران را به نمایش گذاشته و اعلام می‌دارد. به این دلیل سرمایه‌داران سراسر جهان از این روز وحشت دارند و در سراسر جهان می‌کوشند مانع از تجلی همبستگی جهانی

کارگری شوند. در ۸۴ سالی که از پایه گذاری این روز می‌گذرد کارگران جهان این روز را اعلام خواسته‌های خود و آرزوهای مبارزه برای کسب آن تبدیل کرده‌اند. بقیه در صفحه ۲



اول ماه مه ۱۳۵۹

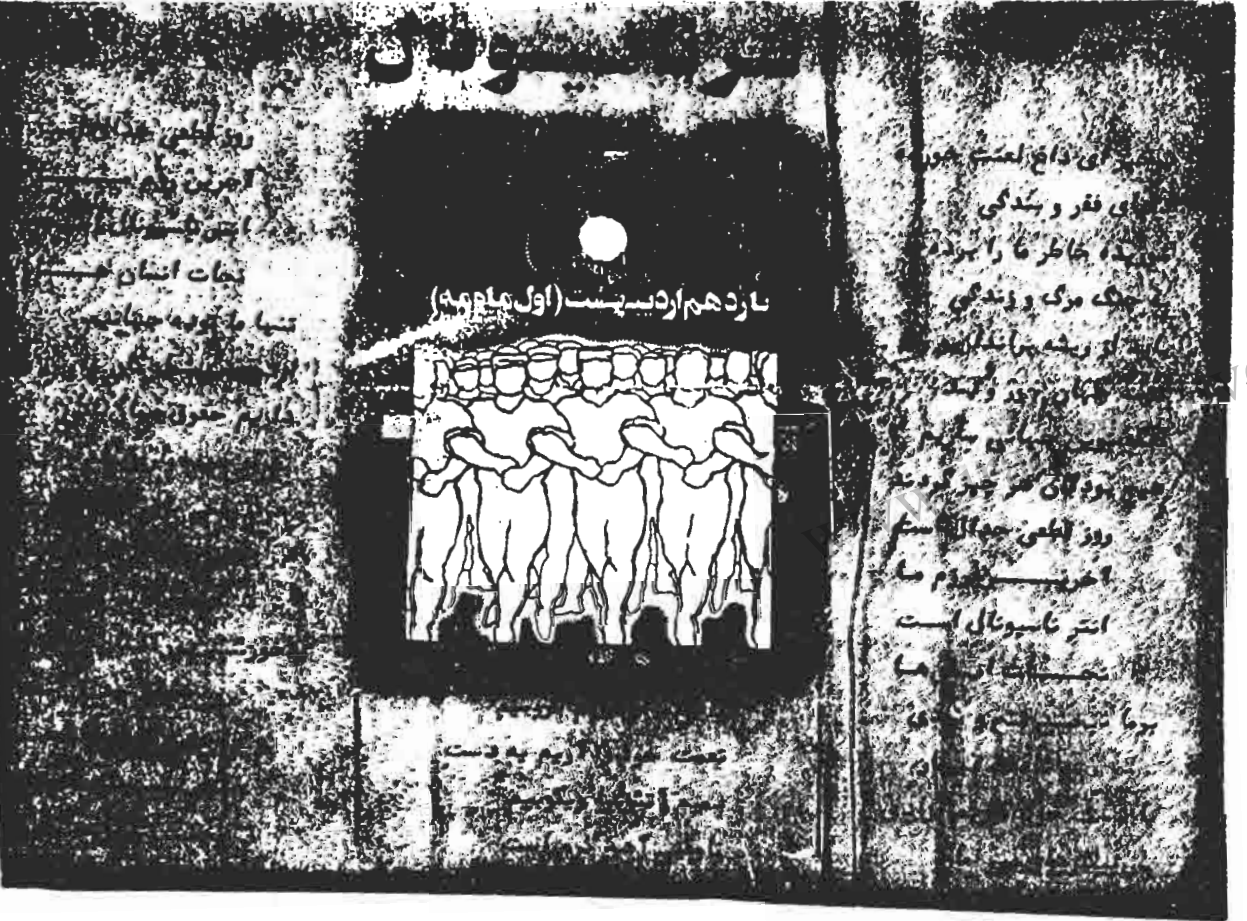
۱۰ سال عطر خون سرخ دانشجویان جشن کارگران را شکوهی خاص بخشیده است

جشن اول ماه مه، روز همبستگی کارگران جهان را در شرایطی برگزار می‌کنیم که سرکوب مردم کردستان ابعاد بسیار وحشیانه‌ای به خود گرفته است. ارتش و پاسداران تنها در شهر سنندج نیمی از شهر را ویران کرده‌اند. اجساد زنان، مردان و کودکان در سطح شهر پراکنده است و فضای شهر در نتیجه تلاشی اجساد، متعفن است. اول ماه مه، روز همبستگی کارگران جهان را در شرایطی برگزار می‌کنیم که جنبش انقلابی دانشجویی، با تهاجم سراسری روبرو شده‌است. سینه دهها دانشجوی کارگر کمونیست در تهران، رشت، اهواز و... آماج گلوله‌های پاسداران شده‌است.

اول ماه مه، روز همبستگی کارگران جهان را در شرایطی برگزار می‌کنیم که جنبش انقلابی دانشجویی که جزئی از جنبش کمونیستی ایران است با درهم آمیختن خون سرخ خود با خون کارگران پیشرو ایران، میثاق نوینی را با طبقه کارگر ایران بنیان نهاده‌است. بدون تردید این پیوند اهمیت تاریخی کسب خواهد کرد چه رشد جنبش انقلابی دانشجویی که حاصل ایدئولوژی طبقه کارگر (سوسیالیسم علمی) است، دقیقاً به همین دلیل نمی‌توانست موضوع وحشت و دشمنی طبقه سرمایه‌دار ایران و حامیان آنان قرار نگیرد. تا آنجا که به دستور دشمنان طبقه کارگر، کشتار در دانشگاه‌های کشور با چنان ابعادی سازمان داده می‌شود که در طول تاریخ جنبش دانشجویی ایران سابقه نداشته است.

مبارزه طبقه کارگر، این طبقه تا به آخر انقلابی هنوز در آن چنان سطحی نیست که قاطعانه مهر دمکراتیسم انقلابی خود را بر پیشانی جنبش بزند. در چنین شرایطی جنبش انقلابی دانشجویی ایران که به شهادت تاریخ خود همواره بطور قاطع از حقوق زحمتکشان دفاع کرده و برای کسب حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی مبارزی پیگیر بوده‌است، نقش و اهمیتی فوق‌العاده می‌یابد.

جنبش انقلابی دانشجویی ایران، با دفاع از دستاوردهای قیام شکوهمند ۲۲ بهمن، با مبارزه و مقاومت، حماسه‌آفرین در مقابل سیاست‌های ارتجاعی که خواهان نابودی حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی است، در حقیقت به تعهد انقلابی خود در زمینه پیوند آگاهی سوسیالیستی با جنبش کارگری عمل می‌کند چه وجود شرایط دمکراتیک و حفظ آزادی‌های سیاسی برای تشکیل آگاهانه طبقه کارگر ایران بسیار ضروری است. بقیه در صفحه ۳



در صفحات دیگر:

- **خاطراتی از بزرگداشت اول ماه مه در زندان‌های شاه**
در صفحه ۲
- **خاطره اعتصاب خونین نفتگران در هفتم اردیبهشت ۱۳۳۰ گرامی باد**
در صفحه ۴
- **در اسب اول ماه مه (سال ۱۳۵۰)**
- **چگونه مبارزات کارگران مبارز جهان جیت، بخون کشیده شد؟**
در صفحه ۳



پیش‌بسیوی تشکیل حزب طبقه کارگر

جنبش کارگری ایران...

بقیه از صفحه ۱

تجربیات یکساله اخیر جنبش کارگری ایران به آنبوه بهتری از کارگران ما آموخت که آنچه ضد کمونیستی است، نمی تواند ضد کارگری نباشد.

به این دلیل در چاب مطالبی در لزوم بزرگداشت این روز کارگران را دعوت کرد تا هر چه با شوهرت آن را جشن بگیرند. پس از سرکوب جنبش جنگل و از هم پاشیدن کشتههای حزبی در گیلان، رضایان شروع به سرکوبی جنبش کارگری و کمونیستی ایران نمود و روزنامه حقیقت را تعطیل کرد. در سال ۱۳۵۲ روزنامه "کار" ارگان ملنی دیگر شورای مرکزی اتحادیه به سرامی این روز را به کارگران تبریک گفت و از آنان خواست که روز اول ماه را جشن بگیرند و اول ماه را جشن بگیرند و اول ماه را جشن بگیرند و اول ماه را جشن بگیرند...

جمله انداخته بود تا مده بهتری از کارگران بتوانند در آن شرکت کنند. حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ نفر کارگر در دستههای دو تا سه نفری به باغ وارد شدند. کارگران شرکت کننده مبارت بودند کارگران نساجی، مطبوعات، خیاباری، کفایش، نجاری و... این مراسم از صبح تا عصر ادامه داشت و با سخنرانی و خواندن سرودهای انقلابی همراه بود. بعد از ظهر کارگران در یک دسته ۱۵۰ نفری به کلوب اجتماعیه - عامیون رفتند. تنها سه روز پس از آن پلیس فهمید که چنین جشنی گرفته شده و اقدام به دستگیری کارگران نمود که در حدود ۱۰۰ نفر دستگیر و زندانی شدند اما پلیس نتوانست اعضاء اصلی اتحادیه و حزب را دستگیر کند و آنها به فعالیت خود ادامه دادند. خواستهای کارگران در این روز مطرح گردید، مبارت بود از: ۱- آزادی اعتصاب ۲- آزادی اجتماعات ۳- ساعت کار در روز به مناسبت اول ماه ۴- در آبادان کارگران تظاهرات مطمحی برپا کردند که طی آن هزاران نفر کارگر نفت علیه مملکت امپریالیستی ایران و انگلیس دست به اعتصاب زدند. خواستهای کارگران در این اعتصاب به شرح زیر بود: ۱- قبول نمایندگان کارگران ۲- افزایش دستمزد به ۲۵ ریال ۳- پرداخت دستمزد به هنگام بیماری ۴- تأمین مسکن از جانب شرکت ۵- روز کار ۶ ساعت (در مناطق گرمسیر)

کرد که این روز را جشن بگیرند. کارگران مخفیانه به نزدیکی کومنتی مشهد رفتند و جشن بزرگداشت این روز را در آنجا برگزار نمودند. در این حال رضایان و نیروهای سرکوبگری همه جا در پی ردگیری و متلاشی کردن حزب کمونیست و تشکیلات کارگری تحت رهبری آن بودند و برای این منظور در سال ۱۳۱۰ رضایان "قانون سیاه" را به تصویب رساند. این قانون هزوع و فعالیت نیروهای انقلابی و بخصوص کمونیستها را ممنوع نموده و آن را اقدامی علیه امنیت کشور در واقع امنیت و چهارول سرمایه داران و نفوذالها (امپریالیستان) می شمرد. سال ۱۳۱۰ آخرین سالی بود که حزب کمونیست توانست

از: ۱- حق داشتن اتحادیه و صندوق تعاون ۲- ۸ ساعت کار در روز ۳- حداقل ۵ ریال حقوق در روز ۴- هفتهای یک روز مرخصی ۵- جلوگیری از اخراج

گیلان، قزوین، اصفهان، تهران، دستگیر و در سایهالهای رضاشاه زندانی شدند. این تهاجم و سرکوب شدید ضربه بزرگی به جنبش کارگری ایران زد و این جنبش جوان و نوپا را که پس از سالها مبارزه توانسته بود روی پای خود بایستد، مدتها دچار رکود و پراکندگی ساخت. تنها پس از جنگ بین الملل دوم و فرار رضا خان از کشور و برقراری فضای بالسنسه دموکراتیک و آزادی فعالیت صنفی و سیاسی بود که جنبش کارگری ایران مجدداً خود را سازمان داد. این تجدید سازمان در شرایطی صورت گرفت که طبقه کارگر تقریباً تمامی رهبران خود را مانند "محمد رضا حجازی، سید محمد اسماعیلی، علی شرفی، محمد پورحرمی" که از کارگران مبارز بوده و طی سالهای طولانی مبارزه آبدیده شده بودند، از دست داده بود. پس از درهم شکسته شدن دیکتاتوری رضاشاه، سرکوب جنبش کارگری به شکل های تازه ای ادامه یافت. در این زمان نیز کارگران از بوش و تجاوز نیروهای پلیس در امان نبودند. بعنوان مثال در روز اول ماه مه ۱۳۲۵ که کارگران جشن گرفتند، مورد تهاجم پلیس قرار گرفته و ۶ تن از کارگران گرومانشا به دست پلیس محمدرضا شاه کشته شدند. در سال ۱۳۲۲ در فطنامه ای که از طرف شورای متحد مرکزی در روز اول ماه مه صادر شد، کارگران خواستار آزادی و دموکراسی طبق قانون اساسی شدند. در طی این سالها جنبش کارگری علیرغم رهبری رفرمیستی "حزب توده"، رشد چشمگیری کرد. در سال ۲۷ با غیرقانونی اعلام شدن "حزب توده" و سلب حقوق دموکراتیک و آزادی های سیاسی، جنبش کارگری مورد تهدید قرار گرفت اما کارگران تا سال ۲۲ هر ساله این روز را رسماً جشن گرفتند. با کودتای ۲۸ مرداد ۲۲ به جنبش کارگری ایران نیز ضربات سهمگینی وارد آمد. در سالهای پس از ۲۲، کارگران ایران ناگزیر شدند بواسطه حفقان حاکم بر جامعه بآوردن جشن اول ماه مه را در شرایطی مخفی و بطور پراکنده برگزار کنند. از اواسط دهه ۴۰ به بعد، سندیگاهای مترقی مانند سندیگای فلزکار مکنیک و بافنده سوزنی، این روز بزرگ را با قاطعیت و پیگیری جشن می گرفتند. در آن سالهای اغتتاق و سرکوب اعضاء گروه کوهنوردی سندیگای فلزکار مکنیک به سرپرستی رفقای کارگر، فدائیان شهید اسکندر صادقی نژاد و جنیل انفرادی آتش بلندی در پیت اول ماه مه بر فراز قله توجسسال می افروختند. آتشی که مظهر التهاب و شور مبارزاتی کارگران دلیر و رزمنده ایران بود.

کارگران و زحمتکشان جهان جشن می گرفتند. پس از قیام شوهمند بهمن ماه، کارگران و زحمتکشان ایران و در پیشاپیش آنها، انقلابیون کمونیست پس از سالهای حفقان با آغوش باز به استقبال این روز بزرگ رفتند بزرگاری جشن اول ماه مه در نخستین بهار قیام، نقطه بزرگداشت این روز در تاریخ جنبش کارگری ایران است. در اول ماه مه ۵۸، به دعوت شورای هماهنگی بزرگاری اول ماه مه، صدها هزار تن از مردم میهن ما، کارگران، زحمتکشان، دانشجویان و دانش آموزان و همه هواداران طبقه کارگر و انقلابیون کمونیست در سراسر ایران این روز بزرگ را با شکوه بیسابقه ای گرامی داشتند. اول ماه مه ۵۸، نقطه عطفی بود در بزرگداشت این روز و از آن مهم تر نقطه عطفی بود در حیات جنبش کارگری نوین ما در جهت احراز هویتی مستقل و این جشن بارقه ای از آب چشم انداز امید بخش خود داشت. در این روز شور دم افزون همبستگی کارگران زحمتکشان مجال تجلی یافت و انقلابیون کمونیست با اشتیاق و فوری و صفا پذیر نیرومند و بی سابقه، بسا کارگران و زحمتکشان تجدید میثاق کردند. و این تنها تجلی شوق نبود، تجلی اراده نیز بود. چادرمای و ملی گردن صنایع و بانکها، لفسو قراردادهای اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی امپریالیستی، لغو قوانین ضد کارگری، محاصره زمین های بالکان بزرگ و... تجلی خود را نشان می داد. در این روز حزب جمهوری اسلامی کوشید تا اول ماه مه را که جوهر آن در آشتی - نایدیری کارگران و سرمایه داران است، به وسیله ای برای آشتی کار و سرمایه تبدیل کند و تنگنظرانه کوشید تا شکاف بین طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار را با تبلیغات ضد کمونیستی اش بپوشاند. "حزب توده" نیز صلاح را در آن دید که کارگران را به پیروی از جمهوری اسلامی به این نمایش همبستگی ضد کمونیستی "کارگری" بکشاند و برخی از کارگران صادق را زیر شعار: "کمونیسم ناپود است" به راهپیمایی شراسارانای وادارد.

تجربیات یکساله اخیر جنبش کارگری ایران به آنبوه بهتری از کارگران ما آموخت که آنچه ضد کمونیستی است، نمی تواند ضد کارگری نباشد. این تهاجم و سرکوب شدید ضربه بزرگی به جنبش کارگری ایران زد و این جنبش جوان و نوپا را که پس از سالها مبارزه توانسته بود روی پای خود بایستد، مدتها دچار رکود و پراکندگی ساخت. تنها پس از جنگ بین الملل دوم و فرار رضا خان از کشور و برقراری فضای بالسنسه دموکراتیک و آزادی فعالیت صنفی و سیاسی بود که جنبش کارگری ایران مجدداً خود را سازمان داد. این تجدید سازمان در شرایطی صورت گرفت که طبقه کارگر تقریباً تمامی رهبران خود را مانند "محمد رضا حجازی، سید محمد اسماعیلی، علی شرفی، محمد پورحرمی" که از کارگران مبارز بوده و طی سالهای طولانی مبارزه آبدیده شده بودند، از دست داده بود. پس از درهم شکسته شدن دیکتاتوری رضاشاه، سرکوب جنبش کارگری به شکل های تازه ای ادامه یافت. در این زمان نیز کارگران از بوش و تجاوز نیروهای پلیس در امان نبودند. بعنوان مثال در روز اول ماه مه ۱۳۲۵ که کارگران جشن گرفتند، مورد تهاجم پلیس قرار گرفته و ۶ تن از کارگران گرومانشا به دست پلیس محمدرضا شاه کشته شدند. در سال ۱۳۲۲ در فطنامه ای که از طرف شورای متحد مرکزی در روز اول ماه مه صادر شد، کارگران خواستار آزادی و دموکراسی طبق قانون اساسی شدند. در طی این سالها جنبش کارگری علیرغم رهبری رفرمیستی "حزب توده"، رشد چشمگیری کرد. در سال ۲۷ با غیرقانونی اعلام شدن "حزب توده" و سلب حقوق دموکراتیک و آزادی های سیاسی، جنبش کارگری مورد تهدید قرار گرفت اما کارگران تا سال ۲۲ هر ساله این روز را رسماً جشن گرفتند. با کودتای ۲۸ مرداد ۲۲ به جنبش کارگری ایران نیز ضربات سهمگینی وارد آمد. در سالهای پس از ۲۲، کارگران ایران ناگزیر شدند بواسطه حفقان حاکم بر جامعه بآوردن جشن اول ماه مه را در شرایطی مخفی و بطور پراکنده برگزار کنند. از اواسط دهه ۴۰ به بعد، سندیگاهای مترقی مانند سندیگای فلزکار مکنیک و بافنده سوزنی، این روز بزرگ را با قاطعیت و پیگیری جشن می گرفتند. در آن سالهای اغتتاق و سرکوب اعضاء گروه کوهنوردی سندیگای فلزکار مکنیک به سرپرستی رفقای کارگر، فدائیان شهید اسکندر صادقی نژاد و جنیل انفرادی آتش بلندی در پیت اول ماه مه بر فراز قله توجسسال می افروختند. آتشی که مظهر التهاب و شور مبارزاتی کارگران دلیر و رزمنده ایران بود.



۱۳۱۰ رضایان "قانون سیاه" را به تصویب رساند. این قانون هزوع و فعالیت نیروهای انقلابی و بخصوص کمونیستها را ممنوع نموده و آن را اقدامی علیه امنیت کشور در واقع امنیت و چهارول سرمایه داران و نفوذالها (امپریالیستان) می شمرد. سال ۱۳۱۰ آخرین سالی بود که حزب کمونیست توانست

۴۰ ساعت کار در هفته خواست همه کارگران است

۶- هم طراری کارگران ایرانی با کارگران هندی مقامات ایرانی مرجع رسیدگی به شکایات یافتند ۸- کارمندان ایرانی هم طراز کارمندان انگلیسی باشند ۹- حقوق باز نشستی برداخت شود این اعتصاب که مدت زیادی بطول انجامید، با دستگیری صدها تن کارگر فعال سرکوب شد. ارتش رضا خان در خوزستان مستقر شد و ناوهای انگلستان در آبهای نزدیک آبادان لشکر انداخت اما سرکوب، کارگران را از ادامه مبارزه باز نداشت کارگران با اشکال مختلف به مبارزات خود ادامه دادند از سال ۱۳۰۷ در خراسان، حزب کمونیست دست به فعالیت زد و کمیته ایالتی آن با موجود آوردن تشکیلات جوانان کمونیست و اتحادیه قالیبافان در مشهد، مبارزات کارگران را رهبری نمود اتحادیه قالیبافان که صدها نفر عضو داشت، روز اول ماه مه ۱۳۰۹ از کارگران دعوت

دو آستانه اول ماه مه (سال ۱۳۵۰)

چگونه مبارزات کارگران مبارز جهان جیت، بخون کشیده شد؟

خاطره سرکوب و کشتار کارگران جهان جیت که در آستانه اول ماه مه سال ۱۳۵۰ صورت گرفت، یک نمونه از ستم سرمایه‌داری در میهن ما است.

آنچه که در سال ۱۳۵۰ در کارگران جهان جیت گذشت یک نمونه نادر و اتفاقی نبوده و نیست. تا زمانی که سرمایه‌داری هست، کشتار و سرکوب کارگران و زحمتکشان نیز وجود خواهد داشت. آزادی طبقه کارگر از ستم سرمایه‌داری تنها در گرو نابودی سرمایه‌داری و برپایی ایران سوسیالیست است.

برای بزرگداشت خاطره شهیدای کارخانه جهان جیت ترجیح دادیم از زبان یکی از کارگران جهان جیت که در اعتصاب شرکت داشت و در جریان آن مورد اذیت و توهین گلوله قرار گرفت، بیکار دیگر شرح واقعه را درج کنیم.

وقتی ما به خیابان آدمیم تعدادمان از ۱۵۰ نفر هم بیشتر بود. ما می‌خواستیم پای پیاده به تهران بیاییم و جلوی وزارت کار اجتماع کنیم. البته برای این تصمیم هیچ برنامه ریزی قبلی نشده بود و رهبری مشخص نداشت. علت اعتراض ما پافین بودن حقوق و بی‌توجهی فاتیح (کارفرما) به خواسته‌های ما بود. بعنوان مثال ما در آن موقع با اینکه ۱۱ سال سابقه کار داشتیم و متاهل بودیم، فقط روزی ۲۵ ریال می‌گرفتیم. بادم می‌آید وزارت کار در همان روزها حداقل حقوق را ۱۰۰ تومن تعیین کرده بود اما "فاتیح" حاضر نبود حقوق ما را زیاد کند. ما حتی حاضر بودیم روزی ۵ ریال به حقوقمان اضافه شود و به همین منظور هم پیش می‌نهادیم خیلی رفتیم اما او مارتا تهدید به اخراج کرد. ناراضی ما هر روز بیشتر می‌شد و با اینکه امکان ارتباط و گفتگو خیلی محدود بود اما توانستیم مقدمات یک اعتصاب عمومی را فراهم کنیم. ما سه روز اعتصاب کردیم. در این مدت در محیط کارخانه جمع شدیم و خواسته‌های خودمان را مطرح کردیم. روز سوم اعتصاب که همان هشتم اردیبهشت بود، "راشدی" نماینده اداره کار کرج به کارخانه آمد. ما گمان می‌کردیم

خاطراتی از بزرگداشت ...

بقیه از صفحه ۴

می‌تکاندند و ... روز اول ماه مه ورزش صبح ده دقیقه از روزهای صبح باید بیشتر می‌شد. چندان حرکت تازه باید در ضمن ورزش انجام می‌شد. پس از صبحانه با اندکی کاهو و سکنجبین بجهما می‌رفتیم. دهنی شیرین می‌کردند. غروب نزدیک ساعت پنج شربت آلبومو داده شد (که این صباقت اصلی بود) و بالاخره مهم‌تر از همه از شام فداشایان و دیگر رفقا قشده داشتند نگیبشان (که این صباقت اصلی بود) و بالاخره مهم‌تر از همه از شام فداشایان و دیگر رفقا بگذارند و هر چند نرد در یک سلول جمع بشوند و سرود انترناسیونال را بخوانند. همه این کارها باید چنان انجام می‌شد که نه تنها پلیس بلکه جاسوسان داخلی و خبرچینان پلید و حقیر نیز بوشی نبرند. همان کله صبح چندتن از رفقای که آنروز کارهای بند را به ما سپرده بودند (کارگران روز) در آستریخانه طوریکه صدایشان بیرون نرود، انترناسیونال را خواندند وقتی متفرق شدند یکی از رفقا که هنوز شور سرود او را گرفته بود همچنانکه طرفها را می‌ست، به خواندن ادامه داد وقتی به خود آمد که سرنگیبان زندان بالای پیش استاده بود... مدتی بعد رفقای که زباله‌ها را از بند به زیر هشت زندان حمل می‌کردند خبر آوردند که هنوز به میله‌های ملاقات آویزان است و صدای کابلپاشی که به او می‌زنند، به گوش می‌رسد.

پس از ورزش صحبت‌های پنج‌نفر از زیر هشت صدا زدند و چند لحظه بعد سینک و خرت و پرت‌های آنان را پس فرستادند. حتی این کار این بود که چهارباره سلول انفرادی مرستاد. وقتی بجهما توی حیاط در دست‌های ۴ نفری نشستند تا کارگران کاهو و سکنجبین را تقسیم کنند. مسئله دیگری پیش آمد. هنوز بیش از یک چهارم بجهما سهم خود را نگرفته بودند که ۳ نفر پاسبان ریختند توی آستریخانه و کاهو و سکنجبین تقسیم نشده را پس از اینکه خود به زیر هشت بردند. چند دقیقه بعد به نغز از کارگران روز را صدا زدند. چند دقیقه بعد از آن چهار پنج نفر دیگر از زندانیان صدا زدند و بالاخره لحظاتی بعد سینکها و ساعتها و خرت و پرتها را پس فرستادند. یعنی که آنجا را هم به انفرادی منتقل کردند بجهما همه آن روزگارها را تطویل کرده بودند. به همین علت چند نفر با هم قدم می‌زدند و صحبت می‌کردند. آنطور شادمانی لطیف و شگندهای که در روزهای گرمی، ریزهای پیروزی خلقی به هنگام پیشامدی امید بخش زندان را فرا می‌گرفت بر چهره‌شان نمایان بود. آنروز والیهال تماشاگران بسیاری داشت و به نسبت همین روز بغیبهی فقهی سابقهای هم ترتیب داده شده بود.

غروب تقسیم شربت آلبومو با اشکالات مهبی روبرو شد. پلیس داخل بند تقویت شده بود و جاسوسها مثل فریره می‌چرخیدند و غیبتهای

شوهرها را به کار می‌گرفتند. در این میان زندان‌های تهران بخصوص زندان قصر بیش از هرجای دیگر به مسلخی برای زندانیان بدل شده بود. بند ۲ و ۳ مشترکا یک حیاط داشتند. این دو بند نزدیک به ۴۰۰ زندانی داشتند. مقررات این زندان چنان بود که آنهایی که در آن شرایط نبوده‌اند، هرگز نمی‌توانند تصور روشنی از آن داشته باشند و وضع زندانیان را در آن روزها درک کنند. صحبت کردن، قدم زدن، راه رفتن و حتی غذا خوردن در نغره ممنوع بود و سخت‌ترین شکنجه‌ها را به دنبال داشت. آویختن به میله‌های ملاقات و با تخت شکنجه همیشه در انتظار آنهایی بود که به شکلی این مقررات فاشیستی را نقض می‌کردند. در بند ۲ و ۳ سلام و علیک و دست دادن با تازه واردین جزء گناهان کبیره بود. کافی بود کسی با برادر

کانون کار باید با مشارکت نمایندگان واقعی و آگاه کارگران تدوین شود

می‌گرفتند و بدین گونه بر پیمان ناگسستی خود با طبقه کارگر هرچه استوارتر ایستادند و تجدید عهد می‌کردند.

ما به یاد همه رفقای کارگری که سالهای سال در زندان‌های شاه سرافراز ایستادند و تا آخرین قطره خون خود از آرمان خلق دفاع کردند، به یاد جلیل انفرادی‌ها، بوسه‌زنگاری‌ها، اسکندرمادی‌نژاده‌ها، وزارت‌ها... و به یاد همه زندانیان سیاسی و مبارزه شورانگیز آنان با دشمن، به نمایندگی اولیای ما به نوبه از برگزاری این جشن رادر شکنجه‌گاه‌های شاه نقل می‌کنیم.

در سال ۱۳۵۲ شدت اختناق و خشونت به اوج خود رسیده بود و کجکوتاه‌ها، دزخیان شاه از این ساله بعد در سرکوب زندانیان خشن‌ترین و فاشیستی‌ترین تیر خوردند و کشته شدند.

آماده باش ایستاده بودند. ما تصمیم گرفتیم به راهپیمایی ادامه بدهیم. وقتی به نزدیکی زاندارم‌ها رسیدیم، آنجا به ما حمله کردند. بعضی از آنها با چوب و چماق به جان جمعیت افتادند و مدعی از کارگرها را مجروح کردند. کارگرها هم با سنگ به مقابله پرداختند. چند لحظه بعد صدای رگبار گلوله همه چیز را عوض کرد. وحشت زده به طرفی فرار کردیم. کنار پادموها، وسط خیابان و حتی توی جوی‌ها انباشته از آدم بود. بعد از چند لحظه سکوت، صدای ناله و فریاد از همه جا بلند شد. آن بی‌شرفهایی که دانسته و ناندانسته به نوکری سرمایه‌دارها درآمده بودند، دوباره شروع به شلیک کردند و این بار هم چند نفر دیگر را به خاک و خون کشیدند.

من که با هم تیر خورده بودم وسط خیابان افتاده بودم. یکی از رفقایم که تیر به سینه‌اش خورده بود و آخرین لحظات زندگی را می‌گذراند به روی من افتاده بود. هیچ وقت صورت منم را نمی‌دید و چشمهایش را که سعی می‌کرد باز نگه‌دارد از باد نمی‌برم. او فقط ۱۶ سال داشت و شاید اگر زودتر به بهارستان می‌رسید، زنده می‌ماند.

من یک فریب بودم که تیراندازی تمام شد و زاندارم‌ها برای مدتی نگذاشتند کسی به ما نزدیک شود. رفقای کارگر می‌خواستند به یک زخمی‌ها بیایند اما زاندارم‌ها مانع می‌شدند و ما از خونریزی و درد به خود می‌پشیدیم. درست پادم می‌آید که یکی از کارگرها به نام "عباس کمالی" صف زاندارم‌ها را شکست و در حالیکه شکش را بالا زده بود، به فرمانده آنها گفت: "من هفت بچه دارم ولی از مردن ترسی ندارم. بزنید."

پس از مدتی ما را به بیمارستان شماره ۲ کرج بردند. معلوم نیست از کارگرهای جهان جیت حداقل سه نفر کشته شده و شازده نفرم زخمی شده‌اند که لاقل ده نفر شهید و بیش از پنجاه نفرم زخمی شده‌اند. مثلا یک شوهر اتوبوسی، یک شاگردانوا و یک خانم که از حمام آمده بود، آنها در سه ردیف به حال تیر خوردند و کشته شدند.



اول ماه مه ...

بقیه از صفحه ۱

کشتار کردستان و تهاجم به دانشگاهها و کشتار دانشجویان و کارگران انقلابی‌زمانیکه با عملیات شکست خورده مأموران نظامی آمریکا و سیا مورد مطالعه قرار گیرد، به روشنی مدلل می‌شود که چگونه دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا، که در فرماندهی ارتش و بالاترین پست‌های رسمی و دولتی لانه کرده‌اند، نقشه‌های شوم خود را برای سرکوب مبارزات مردم علیه امپریالیسم آمریکا یکی پس از دیگری طراحی و به اجرا می‌گذارند.

آنها از یکسو با چنین کشتارهایی به سرکوب انقلابی می‌پردازند که در دشمنی با امپریالیسم آمریکا و افشای دوستان و جاسوسان امپریالیست نشان داده‌اند که مصمم‌تر و سرسخت‌تر از هر نیرویی هستند و از سوی دیگر شرایطی به وجود می‌آورند که ستم و مبارزه اذهان مردم از دشمنی با امپریالیسم آمریکا به دشمنی و جدال با همه‌ی بزرگدانه‌ها شود.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، از همه کارگران دعوت می‌کند با شکر هر چه بیشتر جشن اول ماه مه، روز جهانی کارگری را گرمی دارند و همبستگی پرولتری خود را با مبارزه انقلابی دانشجویان و مبارزه دمکراتیک همه خلقهای ایران بار دیگر به اثبات رسانند.

خاطراتی از بزرگداشت اول ماه مه در زندان های شاه

روز نازدهم اردیبهشت برابر با اول ماه مه جشن جهانی کارگران است. کارگران انقلابی مین ما از هم اکنون آماده می شوند تا همراه با کارگران سراسر جهان این روز بزرگ را جشن بگیرند و به سهم خود همبستگی جهانی کارگران را استحکام بخشند.

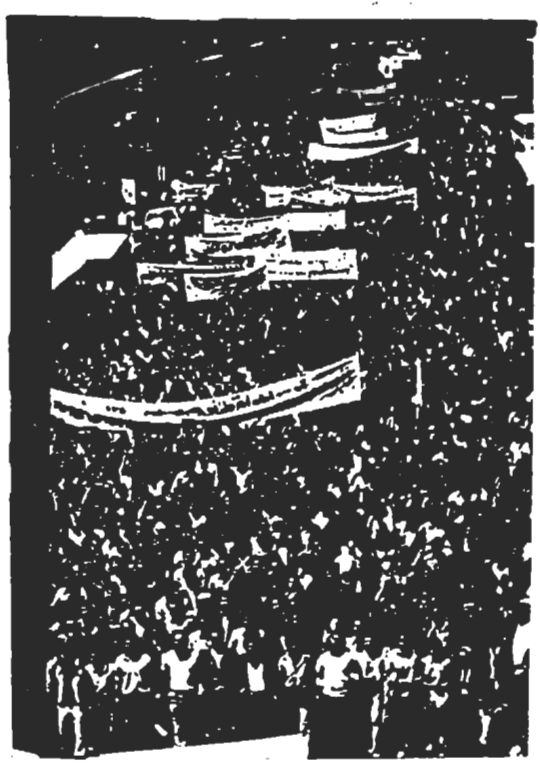
کارگران سراسر جهان و هم چنین انقلابیون کمونیست که پشاهنگ طبقه کارگر می باشند، تحت شرایط بسیار متفاوتی این روز را جشن می گیرند. در کشورهای که طبقه کارگر اکنون حاکمیت را در دست دارد، طبقه کارگر اول ماه مه را با شکوه هر چه تمام تر برگزار می نماید. در چنین کشورهایی همه مردم برابر با اول ماه مه جشن می کنند. سخنرانیها، تظاهرات، تجمعات و تظاهرات در این روزها برگزار می شود. کارگران این انقلابی ترین طبقه به نفع خودشان و علیه طبقه کارگر عوام فریبی راهباندازد و از این طریق مانع حرکت مستقل کارگران می شود و با اینکه اساسا این جشن را ممنوع کرده و هرگونه حرکتی را از جانب کارگران در این روز مانع شده و در این روز می کند. در این دستاورد کشورها بیش از همه کمونیست ها که پشاهنگان طبقه کارگرند، تحت فشار قرار می گیرند و در این روز هرگونه تظاهرات و اجتماع آنها با سرکوب مواجه می شود. لیکن کمونیست ها هرگز و در هیچ شرایطی از برگزاری این جشن

برگزاری شکوهمند روز اول ماه مه در سال گذشته

سال گذشته، روز اول ماه مه، روز همبستگی کارگران جهان، باشکوه خاصی برگزار شد. کارگران و زحمتکشان در شهرهای مختلف ایران بمدای سالها تحمل فشار اختناق و دیکتاتوری، مراسم اول ماه مه را با راهپیمایی ها و تظاهرات شورانگیز خود، برگزار کردند.

طبقه کارگر ایران در این روز، قدرت توفنده و تاریخ ساز خویش را به نمایش گذاشت. نمایش باشکوه اول ماه مه و راهپیمایی های کارگران و زحمتکشان میهنمان، در سراسر ایران، بار دیگر لزوم تشکیل سازمان سیاسی و مستقل این طبقه تا به آخر انقلابی را به وضوح نشان داد. اهمیت تشکیل گردان رهبری طبقه کارگر را بیش از پیش در دستور کار انقلابیون کمونیست قرار داد.

برگزاری شکوهمند اول ماه مه در سال گذشته، نقطه درخشانی در تاریخ جنبش کارگری ایران بود. و بدون شک کارگران و زحمتکشان ایران با آموختن از تجربیات حاصله از برگزاری اول ماه مه سال گذشته، امسال نیز، این روز تاریخی را با شکوه هر چه تمام تر برگزار خواهد کرد.



صحنای از راهپیمایی شکوهمند اول ماه مه سال قبل در تهران

استثمار بس!

و اقیانوس وار بهم پیوسته. و گینه سرمایه اندوزان چون آبی در گاسه سنگی همواره در دل ما باقیست. ما از تبار رنجیم، از دودمان زحمت، ما پیکیهای بهاریم و سوسالیسم بهار تاریخ است. بازویت را به من بده و قلب پر کینهات را، که هم امروز پیگیری بی رحمانه به پهنای جهان در می گیری. حافظه تاریخ اشتباه نمی کند. پیگار ما سرانجام پیروز است. این بشارت تاریخ را باور کن. برویم تا گاوسندوقها را تیرباران کنیم. سپیده باز دمید اول ماه مه است.

در سحرگاه اول ماه مه با اولین طلایه خورشید آسمان رنگی دیگر می گیرد. رنگ آتش شعله ور رنگ خون گمنامهای جوان و پیشاوری ما جنگی به وسعت آسمان در می گیرد. قیام ما نبرد افزار ماست و سوسالیسم پرچم سرخ ما، دوشانه مومنانه از هدفی مقدس: آزادی تمام ستمدیدگان روی زمین! برویم تا دشمنان آزادی را سنگار کنیم. سپیده باز دمید اول ماه مه است.

چهره تاریخ بر عکس چهره انسانهاست هر روزی که می گذرد جوانتر می گردد.

و از فردا خورشیدی دیگر فرداهای دیگر را روشن خواهد ساخت. روزی بزرگ در پیش است وینک پیگار، نزدیک نزدیکتر از همین لحظه!

هان گارد سرخ تاریخ برها! برویم تا تاوان رنجبامان را معادله کنیم. سپیده باز دمید اول ماه مه است. از سرودهای کارگران معادن استوری اسپانیا

دیگر نمی گذاریم برپاکنندگان ستم نیروی بازاومان را تاراج کنند. قانون کینه را بدور افکن این قانون شلاق ستمگران است. ما قانون بهتری خواهیم آورد: قانون اتحاد، کار، مساوات، آزادی.

بگذار خون ستمگران چون رودخانه های بر سنگفرش خیابانها جاری گردد، سپیده باز دمید اول ماه مه است.

در سحرگاه اول ماه مه شپور "گمون" دمیده می شود تا پروولتاریای تمام جهان این گارد سرخ تاریخ به پا خیزد.

پروولتر جوان! به یاد "گموناردهای" قهرمان که پرچم سرخ را برافراشتند، صف رزمندگان را فشرده تر کن! دیروز را به یاد آور در زنجیر، امروز را ببین! در رزم، و فردا را بی شک در فتح. ما پیشتاز دنیای تازه ایم، پارتیزان هدفهای آسپیل، و در گوله هامان: فردای تو انسان تو زندگی نو را برپشت می کشیم.

آنجا بر پیشانی افق آن ستاره سرخ را می بینی؟ هر شدانتش مال ماست: مال من تو همه، اما تا نجاتیم پیروزی محال است. برویم تا بنیانهای کینه را ویران سازیم. سپیده باز دمید اول ماه مه است.

از صف جدا نشو! از راه باز نمان! همپای صف قدم بردار، هر گوشه، هر کنار، سنگر ماست. ما مثل کوهساران با برجائیم

با اتحاد یکپارچه، از اخراج کارگران توسط سرمایه داران جلوگیری کنیم.

حق بیمه بیکاری باید به کارگران بیکار پرداخت گردد.

اردیبهشت اول ماه مه
روز جهانی کارگر

خاطره اعتصاب خونین نفتگران در هفتم اردیبهشت ۱۳۳۰

اعضایات از ار گسترش زیادی برخوردار شد و ابعاد سراسری (در منطقه جنوب) پیدا کرد. حکومت به منظور شنبت موقعیت خود و جلوگیری از ندادن مبارزات کارگران ناچار شد در سطح منطقه حکومت نظامی اعلام کند.

امیرالیم انگلیس نیز که بر اثر رشد مبارزات ملی و ضد امیرالیمستی از یک طرف و تعمیق و گسترش جنبه طبقاتی این مبارزه با شرکت فعال کارگران شرکت نفت منافع خود را در خطر می دید به منظور تهدید مصدق و بازداشت او از ادامه مبارزاتش (در راه ملی کردن نفت) به بیانه حفظ جان اتباع خود ناوگان جنگی خود را به خلیج فارس و سواحل خوزستان گسیل داشت.

اعتصاب کارگران نفت به خاک و خون کشیده شد. بیکاری و مقاومت قهرمانانه کارگران، امیرالیم انگلیس و نوکران داخلش (شاه و درباریان) را به عقب نشینی واداشت و در روز سیزدهم اردیبهشت نخست وریری مصدق رسماً اعلام شد.

اعتصاب هفتم اردیبهشت نقطه شروع موج نوینی از مبارزات ضد امیرالیمستی کارگران و زحمتکشان ایران بود.

تاریخ مبارزات طولانی نفتگران ایران ملو از جنس نقاط عطف درخشانی است. تاریخ جنبش کارگری ایران (در راس آن مبارزات بیکارانه کارگران شرکت نفت) و بیش از دوقرن تجربه مبارزات کارگری در سراسر جهان این امر را به واقعیتی

هفتم اردیبهشت ۱۳۳۰ یادآور یکی از امتصایات خونین کارگران شرکت نفت است. سال ۱۳۳۰ مقارن با اوج نهضت ملی شدن صنعت نفت و مبارزه نیروها و گروههای سیاسی مختلف است. در چنین شرایطی "حزب نو" که با ارزیابی نادرست از موقعیت نیروهای داخلی و تضادهای بین المللی، مصدق را در حال سازش با امیرالیم امریکا می دید، و از تحلیل موضع طبقاتی او در شرایط خاص آن روز ایران عاجز بود. با استفاده از نفوذی که در کارگران شرکت نفت داشت، به خیال خود به منظور جلوگیری از ادامه سازشکاری های مصدق اعتصاب هفتم اردیبهشت را سازمان داد. دانشه

پایداری دلاوران خلع کرد و پیشمرگان خلق

تهاجم همه جانبه ارتش و سپاه پاسداران را با شکست مواجه ساخته است

- در برابر پایداری مردم سنندج و سایر مناطق کردستان جنوبی، روحیه ارتش و سپاه پاسداران به شدت تضعیف شده است.
- ارتش و سپاه پاسداران حتی از ورود دارو به سنندج جلوگیری می کنند.

خلق کرد پیوسته اند. حماسه مقاومت خلق کرد بار دیگر نشان می دهد که سلاح های مدرن، توپ، تانک، فانتوم و هلی کوپترهای کبرا هرگز نمی توانند اراده خلقهای میهن ما را که در راه آزادی میهن و نابودی کامل سلطه امپریالیسم و متحدان داخلی آن مبارزه می کند، درهم شکنند. . . .

پایداری خلق کرد در برابر تهاجم وحشیانه ارتش بخشی از پایداری همه خلقهای ایران در برابر امپریالیسم امریکا و متحدان داخلی آن است در چندروز گذشته رادیو - تلویزیون مدام می کوشند با اطلاعیه ها و اعلامیه های دروغین ارتش، سپاه پاسداران و مقامات دولت از یک سو جنایات ارتش را در کردستان پنهان کنند و از سوی دیگر پیروزی های بزرگ خلق کرد را بر ارتش و سپاه پاسداران از چشم مردم پنهان کنند تا بدینوسیله روحیه بشدت تضعیف شده ارتش و پاسداران را تقویت کنند.

اینک چندین هفته است که ارتش از زمین و هوا سنندج را بمباران می کند. ارتش تا کنون صدها کودک و پیر و جوان را به شهادت رسانده است، سپاه پاسداران به وحشیانه ترین حملات دست زده است، شهر در محاصره کامل است و حتی از ورود دارو به شهر جلوگیری می کنند و پزشکانی که می خواهند به کمک مردم بشتابند به گلوله می بندند. اما مردم قهرمان سنندج در برابر همه این تهاجمات چنان اراده آهنین و شکست ناپذیری را به نمایش گذاشته اند که در تاریخ جنبشهای مقاومت ایران و جهان کم نظیر است. . . .

حماسه مقاومت خلق کرد تا کنون شکست های سختی به ارتش و سپاه پاسداران وارد ساخته است. صدها نظامی کشته شده و صدها تن به شدت مجروح شده اند و صدها سرباز و درجه دار و افسر میهن پرست به رزمندگان

هم میهنان مبارز!

کردستان قهرمان همچنان زیر آتش توپخانه ارتش ضد خلقی مقاومت می کند. خلق دلاور و رزمنده کرد همراه پیشمرگان قهرمانش روحیه ارتش را درهم شکسته است. بخش وسیعی از سربازان، درجه داران و افسرانی که نمی خواهند به روی هم میهنان کرد خود اسلحه بکشند، به آنان پیوسته اند. خلق مبارز کرد تا کنون شهادت بی شماری داده است اما اراده مقاومتش هر روز راسخ تر می شود چه میدانند که مبارزه و مقاومت در مقابل تهاجمات وحشیانه ارتش در کردستان یعنی ضربه زدن به امپریالیسم و کمک به پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده های بیخاسته ما.

کارگران، دهقانان و زحمتکشان مبارز!

ارتش و پاسداران در کردستان حنایت میکنند هرگونه سکوت و بی تفاوتی در مقابل کشتار وحشیانه ارتش در کردستان، محکوم است. به دفاع از مبارزات عادلانه خلق کرد برخیزیم و با یاری رساندن به خلق قهرمان کرد مبارزات ضد امپریالیستی خود را گامی به جلو رانیم.

هم میهنان مبارز!

خلق قهرمان کرد و پیشمرگان دلاور ما ضمن مقاومت دلاورانه خود در مقابل تهاجمات ارتش و عقب راندن آن از شهرهای خود سیاست صلح طلبانه خویش را با اعلام آتش بس در نیمه شب

۹ اردیبهشت ۵۹ به هم میهنان ما اعلام کردند آنان خواستار برقراری صلحی عادلانه به نفع زحمتکشان کرد هستند آنان همواره در جهت برقراری صلحی عادلانه در کردستان تلاش کرده اند اما دولت، ارتش و پاسداران همچنان به سیاست های جنگ افروزان خود ادامه داده اند. هیئت نمایندگی خلق کرد برای پیشگیری از ادامه کشتارها و جهت برقراری صلحی عادلانه

در تاریخ ۹ اردیبهشت ۵۹ پیشنهاد آتش بس داد. بنی صدر ظاهراً پیشنهاد آتش بس را پذیرفت و قرار شد هیئتی مرکب از معتمدوزیری ابراهیم یونسی و دکتر حسن اردلان به کردستان اعزام شود. اما ارتش و پاسداران عملاً آتش بس را نقض کرده و سیاست سرکوب و گشتار را ادامه دادند. ارتش و پاسداران طی اطلاعیه های صراحتاً اعلام کردند که در کردستان همچنان خواهند جنگید. متعاقب ادامه جنگ از طرف ارتش و پاسداران، بنی صدر نیز آتش بس را رد کرد و ارتش و پاسداران را تشویق به پیروی و سرکوب خلق کرد نمود.

سازمان ما، شاخه کردستان متعاقب اعلام آتش بس از طرف هیئت نمایندگی خلق کرد اطلاعیه ای مبنی بر رعایت آتش بس در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۵۹ صادر کرد که جهت آگاهی بیشتر هم میهنان از ماهیت سرکوبگر ارتش عین اطلاعیه سازمان شاخه کردستان و اطلاعیه حزب دمکرات کردستان و اطلاعیه ارتش و سپاه پاسداران را ذیلاً می آوریم:

اطلاعیه درباره برقراری آتش بس

ورود ما به محتاج عمومی به کردستان جلوگیری می کند، شاید از این طریق بتوانند اراده رزمنده مردم ما را درهم شکنند. ما همانگونه که از قبل نیز اعلام کرده ایم این تلاشهای مذبحانسه همچون گذشته محکوم به شکست است و خلق بپا خاسته ما با قاطعیت و شهادت به خاطر دفاع از موجودیت خود از هیچ کوششی فروگذار نخواهد کرد. خلق کرد و نیروهای سیاسی آن هیچگاه جنگ طلب و جنگ افروز نبوده اند آنها هدفی جز دفاع از حقوق خلق خود ندارند. مردم مبارز ایران طی ماههای گذشته خود شاهد بودند که چگونه خلق کرد تلاشی بقیه در صفحه ۲

مردم مبارز ایران! خلق قهرمان کرد! اکنون چندی است که جنگ تحمیلی در بسیاری از شهرهای کردستان آغاز گشته است که در نتیجه آن در اندک زمانی صدها نفر از کودکان، زنان و مردان ما در راه دفاع از حق طبیعی خود یعنی زندگی در کردستانی خودمختار و ایرانی آزاد و مستقل به شهادت رسیده اند.

بمباران وحشیانه ارتش در شهرهای سنندج، سقز و بانه این شهرها را به ویرانه تبدیل ساخته و هم زمان با این اعمال وحشیانه و غیرانسانی دولت دست به محاصره اقتصادی منطقه زده و از

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

اطلاعیه درباره برقراری...

بقیماز صفحه ۱

بیکر در راه برقراری صلح عادلانه در کردستان را تعقیب نمود ولی نمایندگان دولت هیچگاه حاضر به مذاکره جدی با نمایندگان واقعی خلق ما نشدند و سیاست دفع الوقت، نفاق افکنی و کارشکنی را دنبال نمودند

سیاست سازمان ما دفاع از برقراری صلح عادلانه در کردستان است. صلحی که حقوق دمکراتیک خلق کرد را تضمین نماید ما چنین صلحی را به سود مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران می دانیم و به خاطر تحقق آن با تمام توان خود کوشیده ایم.

بر این اساس در موقعیت کنونی نیز اعلام می کنیم هرگاه ارتش و سایر نیروهای مسلح دولتی از گلوله باران و بمباران شهرها دست بردارند و به نقل و انتقالات تحریک آمیز نظامی که هدفی جز تشدید جنگ ندارد خاتمه دهند ما نیز خود را ملزم به رعایت آتش بس می دانیم و به پیشمرگه های سازمان در تمام شهرهای

کردستان اعلام می کنیم در صورت پذیرش آتش بس و اعلام رسمی آن از جانب دولت آنها نیز ملزم به رعایت آن می باشند و باید جهت برقراری آتش بس از هیچ کوششی دریغ نوزند هم چنین ما از همه مردم مبارز ایران، نیروهای انقلابی و ترقیخواه می خواهیم که با پشتیبانی از مبارزه عادلانه خلق ما سیاست جنگ افروزان را که تنها به سود امپریالیسم است محکوم نمایند بدون شک همبستگی مردم سراسر ایران با خلق کرد توطئه های جنگ افروزان را درهم خواهد شکست و به برقراری صلح در کردستان یاری می رساند

برقرار باد صلح عادلانه در کردستان
مستحکم باد وحدت انقلابی خلق کرد با
دیگر خلقهای ایران

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی
امپریالیسم امریکا

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران -
شاخه کردستان

۱۳۵۹/۲/۱۰

اطلاعیه حزب دمکرات کردستان

هم وطنان گرامی - مردم شرافتمند کردستان

نظر به ضرورت اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی ایران در شرایط حساس کنونی و نظر به اینکه مقرر است فردا (امروز) دهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ یک هیئت حسن نیت با تأیید آقای رئیس جمهور از تهران عازم مهاباد شود و با توجه به اینکه مردم شهرهای سنندج، مازندران، مریان، بوکان و مهاباد به علت کشتار مردم بیگناه و ویرانی شهرها از ما خواستارند یکبار دیگر در امر آتش بس و استقرار صلح پیشقدم باشیم، کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران به منظور اثبات حسن نیت خود و جلوگیری از جنگ و برادر کشی از نیمه شب سه شنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۵۹ در شهرهای سنندج، سقز، مریان و بانه اعلام آتش

بس می نماید. از پیشمرگان رزمنده کردستان درخواست می نماید که آتش بس را دقیقاً رعایت نمایند و بهانه های به دست آتش افروزان و کینه توزان ندهند. طبیعی است این آتش بس در صورتی ادامه خواهد داشت که ریاست جمهوری به عنوان فرمانده کل قوا آتش بس اعلام نماید و ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران مقررات آن را محترم بشمارند.

در ضمن ما یکبار دیگر پیشنهاد خود را تکرار می کنیم و از ریاست جمهوری می خواهیم که شش اصل خود مختاری حزب ما را که مورد قبول ایشان نیز قرار گرفته است رسماً اعلام نمایند. این امر انشاء الله به استقرار صلح دائم و حل مسئله کردستان کمک موثر خواهد کرد.

اطلاعیه شماره ۲

اطلاعیه ارتش و سپاه پاسداران

بار دیگر نغمه شوم سازش و مذاکره از بسوق و کرنای بعضی از عناصر سازشکار به گوش می رسد و تلاش و فداکاری که برادران پاسدار و ارتش در پاکسازی منطقه از کفار و ضدانقلابیون می نمایند می روند که برای همیشه این عناصر را از صحنه کردستان محو و نابود نمایند و آنهایی که خود را خلقی می دانند با این شکست سعی در خرابی شهرها به وسیله کوکتل مولوتف و سرتاچی و مواد منفجره دارند و دولت را مسئول این عمل معرفی می نمایند

سازمان چریکهای فدایی و کومهله و دمکرات و دیگر احزاب و دستجات منحرف وابسته به شرق و غرب که قصد دارند منافع و قدرتهایشان را در منطقه حفظ کنند شروع به فشارهای سیاسی نموده و می خواهند آتش بس و در نتیجه ناب مذاکره را بکشایند از نظرها و ملت مسلمان ایران کینه در راهبیمایی خلق سلاح شرکت نموده هر نوع آتش بس و مذاکره و کفار مسلح را محکوم نموده و آنرا باعث تضعیف روحیه و مواضع اسلامی و تحکیم کفار میدانند و کوچکترین اغمازی سب تضعیف حکومت وقت و تجزیه کردستان می شود لذا خواهشمند است تا خاتمه پاکسازی منطقه که به خودی خود باعث نابودی کلیه کفار مسلح و اصلاح منحرفین می شود از مذاکره و آتش بس خودداری شود زیرا تا سلاح در دست ضدانقلاب است مذاکره یا آتش بس مفهومی نداشته و در کردستان عزیز امنیت برقرار نمی شود و مردم مسلمان کردستان آرامش و آسایش نخواهند داشت. در غیر این صورت بهتر است پیش از این به ناحق کشته ندهیم و کردستان تقدیم بیگانه پرستان شود و با این عمل خونهای به ناحق ریخته شهیدان این انقلاب را لوٹ کنیم. ما فکر نمی کنیم هرگز امام و امت مسلمان ایران راضی به این عمل باشند

ضمناً این ستاد در برابر هر سؤال که از طرف ملت مسلمان ما مطرح باشد حاضر به پاسخگویی می باشد

(از روزنامه انقلاب اسلامی - چهارشنبه
۱۳۵۹/۲/۱۰ - شماره ۲۴۴)

بیان اقدامات امپریالیسم امریکا در ایران در دو هفته اخیر

- ۱- تشدید جنگ در کردستان و کشتار صدها هم میهن ما در اثر بمباران های هوایی و توپخانه.
- ۲- کشتار بیش از ۴۰ نفر از دانشجویان و مردم در تهاجم وحشیانه وسیع به دانشگاهها در سراسر ایران.
- ۳- اجزام ۹۰۰ نفر تفنگدار به ایران و طرح یک کودتای نظامی به همدستی ایادی ایرانی که با شکست مواجه شد.
- ۴- برای جلوگیری از کشف اسناد، هلی- کوپترهای امریکایی بمباران و پاسداری کسه اسناد را به دست آورده بود، به شهادت رسید
- ۵- بمب گذاری به منظور ایجاد ترس و وحشت در میان مردم و تقویت روحیه دشمنان شکست خورده مردم.

اطلاعیه ارتش و سپاه پاسداران

اطلاعیه شماره ۱

ملت مبارز ایران، فرزندان دلیر ارتش و پاسداران شما با همکاری مسلمانان مبارز کرد که ضدانقلاب را در کردستان محو و نابود می کند تاکنون دهها شهید و مجروح به پیشگاه خدای متعال و ملت مسلمان ایران تقدیم داشته است ما گفتیم و می گوئیم ای مدعیان دوستی با خلق و ای کسانی که در کردستان اعلام می کنید آماده اید تا از تمامیت ارضی و استقلال کشور دفاع کنید چرا راه ستون نظامی را به طرف مرز سد می کنید، چرا پیشنهاد ما را نمی پذیرید که باید دوش به دوش هم در مقابل تحساورات امریکای جهانخوار و حکومت دست نشانده اش از کشور استقلالمان دفاع کنیم؟ تا کتون صدها نفر از مردم مسلمان و متعهد شهر سنندج به علت آتش افروزی گروه های مسلح غیرقانونی به پادگان

روی آورده و با برادران سرباز و پاسدار خود در پادگان زندگی می کنند ضدانقلاب که به زانو در آمده و آخرین نفسهای خود را می کشد حال به تلاش مذبحخانه دست زده اند از یک طرف با سلاح های سبک و سنگین پادگان و منازل مسکونی خانواده های نظامیان را مورد حمله قرار داده و از طرفی به کلیه مقامات متوسل شده اند تا از طریق وارد کردن فشارهای سیاسی دوباره فرصت تجدید سازمان یافته تا مراکز نظامی و انتظامی را مورد حمله قرار دهند ما صراحتاً اعلام می داریم تا نابودی ضدانقلاب و عواضل امپریالیسم و صهیونیسم به مبارزه قاطعانه ادامه می دهیم و در این راه از امام امت و خواست ملت ایران که به وسیله ریاست جمهوری منتخب مردم اعلام گردیده است پیروی می کنیم و لا غیر

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

بانه:

اینجا نیز سنگر دیگریست برای مقاومت خلق کرد که وحدت خود را در کوره مبارزه علیه تهاجم گسترده ارتش و پاسداران هرچه آبدیده ترمی کند. روحیه مردم بسیار خوب است. فانتوم‌ها از هر طرف شهر را بم راکت بسته‌اند. تاکنون تلفات سنگینی به پادگان وارد آمده است. هلسی-کوپترهایی که برای تقویت پادگان نیرو آورده‌اند زیر رگبار خلق مسلح قادر به فرود نیستند. درگیری تا ساعت ۲/۵ بعد از نیمه شب ادامه دارد. تاکنون مردم بانه ۳۰ شهید و تعداد زیادی مجروح به انقلاب و آزادی ایران تقدیم کرده‌اند. زنده باد آزادی، زنده باد رزم خلق کرد برای آزادی میهن...

مریوان:

نیروهای جنبش مقاومت پشمیرگان مسلح خلق کرد، به تپه‌های مشرف بر پادگان مسلط هستند. خلق کرد هرجوب از خاک خود را به گورستان سرکوبگرانی که چشم بسته در خدمت اجزای فرامین فرماندهان ضد خلق خود قرار گرفته‌اند، تبدیل می‌کند. امروز نیز خمپاره‌ها محلاتی از شهر را در هم کوبیدماند اما جنبش مقاومت همچنان ضربات خود را وارد می‌کند. قسمت‌هایی از پادگان از حمله پارک موتوری آن مورد حمله نیروهای مسلح خلق قرار می‌گیرد و خساراتی را متحمل می‌شود.

مهاباد:

امروز نمونه دیگری از صلح طلبی خلق کرد و نیروهای مسلح به نمایش گذاشته شد. دونفر ساواکی که قصد داشتند با حمله به مرکز سپاه پاسداران بهانه‌ای برای تهاجم نیروهای جنبش سرکوبگر فراهم آورند، به وسیله نیروهای جنبش مقاومت دستگیر می‌شوند. آنها بدون شک طعم مجازات خلق را خواهند چشید، اما اشغالگران ارتش و سپاه پاسداران نیز خوب می‌دانند و در دیگر نقاط کردستان فهمیده‌اند که صلح طلبی خلق کرد به معنای تسلیم در برابر تهاجمات آنها نیست. آنها نیز طعم مجازات جنا پاتشان را در دیگر نقاط کردستان تاکنون چشیده‌اند.

پنجشنبه یازدهم اردیبهشت

سنندج:

در این روز با وجود اعلام آتش بس از طرف مشاور رئیس جمهور در روز پیش ارتش شهر قهرمان سنندج را به توب بست. چندین خانه و مغازه در اثر پرتاب بمب و راکت ویران شدند و قسمت‌هایی از شهر به آتش کشیده شد. ۳۹۰ نفر از مردم غیر نظامی و ۵ پشمیرگه کرد به شهادت رسیدند. مسجد زین العابدین و مسجد حاج ابوالحسن سنندج در اثر تهاجم ارتش جمهوری اسلامی ویران شدند و در اثر اصابت خمپاره به مسجد زین العابدین یک نفر شهید و ۳ نفر زخمی شدند. در این روز عده زیادی پاسدار وارد سنندج شدند و هواپیماهای ارتشی نیز تعدادی ارتشی در شهر پیاده کردند. فانتوم‌ها بر فراز شهر به پرواز درآمدند و دود و آتش در شهر پیچید. در این روز پشمیرگان قهرمان جنبش مقاومت در محله‌های شریف آباد و حسن آباد از پیشروی ارتشبان مزدور و پاسداران جلوگیری

اخباری که در این چند روز بعد از اعلام آتش بس به دست ما رسیده است، سیاست‌های جنگ افروزان ارتش و پاسداران و مقاومت دلاورانه خلق کرد را به روشنی نشان می‌دهد.

چهارشنبه دهم اردیبهشت

سنندج:

علیرغم اعلام آتش بس از طرف نیروهای جنبش مقاومت، مشروط بر اینکه از طرف ارتش و سپاه پاسداران نیز رعایت آتش بس بشود، فرماندهان مزدور ارتش فرمان داده‌اند که همچنان از پادگان‌ها شهر را به خمپاره ببندند. اعلام آتش بس توسط مشاور فرهنگی و سیاسی بنی صدر نیز تاکنون کوچکترین تاثیری نداشته است. نه ارتش و نه سپاه پاسداران هیچکدام آتش بس را نپذیرفته‌اند.

امروز چندین خانه در خیابان "شاهپور" بر اثر آتش سوزی ناشی از شلیک خمپاره به آتش کشیده شدند. همه چیز حتی بیمارستان‌ها به خمپاره بسته می‌شوند. نیروهای مسلح "جمهوری اسلامی" هر جا که نشانی از زحمتکشان کرد ببینند آنجا را به خمپاره می‌بندند. بیمارستان "شهید" که مملو از اجساد کشته‌شدگان و افراد زخمی است، امروز بار دیگر آماج خمپاره‌های پادگان قرار گرفت تا این لحظه حدود ۷۰۰ کشته و زخمی در بیمارستان‌ها جای داده شده‌اند. مردم اجساد شهدا را در خانه‌های خود دفن می‌کنند. در میان قربانیان تهاجم ارتش دست پرورده آمریکا، در میان قربانیان کسانی که دستور بمباران سنندج را داده‌اند، تعداد زیادی کودکان شیرخواره و با در سنین ۵ الی ۱۲ سال دیده می‌شوند.

هیچگونه مداوایی صورت نمی‌گیرد، بقول کارمندان بیمارستان "در اینجا مردم ایستاده می‌میرند!" رئیس بیمارستان سنندج به همین علت به علت آنکه دولت علیرغم بوق و کرنای تبلیغاتی‌ش هیچگونه همکاری برای مداوای مجروحین به عمل نمی‌آورد، استعفا داده است. در جریان درگیری‌های امروز تعدادی از پشمیرگان خلق کرد به شهادت رسیدند، لیکن مقاومت با عزمی راسخ ادامه می‌دهد.

سنندج:

آتش بس در اینجا نیز رعایت نمی‌شود. خمپاره‌ها بر شهر فرود می‌آیند، خانه‌ها ویران شده‌است، کمبود مایحتاج عمومی محسوس است، لیکن خلق کرد با عزمی راسخ‌تر از پیش می‌رزمند و با مقاومت عادلانه‌اش لریزه بر پیکر ارتش ضد خلقی می‌افکند. نیروهای پشمیرگه با پیشنهاد اعلام آتش بس یکبار دیگر نشان دادند که خلق کرد صلح می‌خواهد، نشان دادند که خلق کرد جنگ طلب نیست اما در برابر تهاجم هر نیروی متجاوز نیز که بخواهد آرامش را به بهای سرکوب مبارزات مردم، به بهای زیر پا گذاشتن حق بدون چون و چرای آنها در تعیین سرنوشت خویش تحمیل کند، جانانه ایستادگی خواهند کرد و مقامات مسئول می‌توانند فرماندهان مزدور ارتش با عدم رعایت آتش بس در عمل همچون همیشه ثابت کردند که جنگ افروز آنهاست که از آزادی خلق کرد و آزادی همه خلقها و زحمتکشان می‌هراسند. از خود مختاری شورایی در کردستان وحشت دارند. در نبردی که اکنون جریان دارد، خلق کرد بر حق است. خلقها پیروزند. این درس تاریخ است.

کردند و تلفات سنگینی را به آنها وارد آوردند. در محله شریف آباد ارتش و پاسداران در نتیجه مقاومت پشمیرگان کرد بعد از تحمل تلفات سنگینی عقب نشینی کردند. در سنندج مردم از لحاظ آذوقه، دارو و مواد سوختی در مضیقه هستند. تا کنون بیش از صد نفر از زنان و مردان مبارز شهر به شهادت رسیده و بیش از ۷۰۰ نفر زخمی شده‌اند. مغازه‌ها و خانه‌های زیادی در سنندج ویران شده‌است حتی بیمارستان‌ها از حمله ارتش ضد خلقی مصون نمانده‌اند اما مردم مبارز سنندج در کنار پشمیرگان قهرمان جنبش مقاومت همچنان می‌رزمند و از آغاز درگیری‌ها تا کنون ذره‌ای از شور مبارزاتشان کم نشده، آنها مصمم‌اند در برابر ارتش، در برابر جنگ تحمیلی مقاومت کنند و برای رسوا کردن نقشه‌های شوم نوکران امپریالیسم بکوشند. آنها ایستادگی می‌کنند چون ایمان دارند سرانجام ارتش را به زانو در خواهند آورد و سرکوبگرانی که می‌خواهند شرارت انقلاب میهن ما را بر باد دهند شکست خواهند داد.

سقز:

۲۰۰۰ نفر از آوارگان سقز که در بوکان به سر می‌بردند به شهر خود بازگشتند. تیراندازی‌های پراکنده در سقز همچنان ادامه دارد. پادگان سقز در حمله شب قبل پشمیرگان بیش از ۲۰ کشته داد. در عملیات حمله پشمیرگان به "تپه جنگلی" نیز چند ارتشی کشته شدند. به راستی مقاومت قهرمانانه پشمیرگان جنبش مقاومت روحیه مزدوران ارتشی را درهم شکسته است و اطلاعاتی‌های سزاها دروغ را دیو - تلویزیون نیز نمی‌تواند روحیه ارتش درهم شکسته را تقویت کند. ارتشی‌هایی که در تپه‌های اطراف شهر مستقر شده‌اند در وضع روحی بدی به سر می‌برند آنها در تماسی با فرماندهان خود گفتند: "تکلیف ما را روشن کنید دیگر طاقتمان به سر آمده. دیگر نمی‌توانیم ادامه بدهیم....."

ربط:

در سه روز گذشته در بخش ربط سردشت ۱۲ پشمیرگه زخمی و ۲ پشمیرگه به شهادت رسیده‌اند از تلفات ارتش آمار دقیقی در دست نیست ربط در محاصره پشمیرگان است و در مریوان صدمات زیادی از طرف پشمیرگان به پادگان ارتش وارد آمده است. چند خانه در اثر حمله ارتش ویران شده و عده‌ای از مردم شهر به دهات مریوان رفته‌اند. مردم مبارز دهات تا حد امکان به پشمیرگان کمک می‌رسانند و در پیشبرد مبارزات حق طلبانه خود دمی از پای نمی‌نشینند.

اعدام دو خلبان در اصفهان

اعزام قسمتی از گروه پشتیبانی پایگاه هوایی اصفهان (شامل ۶۰ هلی‌کوپتر و ۲۲ نفر) به کردستان که قرار بود در ۲ اردیبهشت ۵۹ اجرا شود با اعتراض شدید پر خرابی هوایی روز بروز گردید. پرسنل انقلابی در اعتراض به دستور اعزام به کردستان به تحصن دست زدند طبق اطلاع رسیده (۵۹/۲/۹) ۲ تن از پرسنل انقلابی هوایی اصفهان به جرم اعتراض به دستور اعزام برای کشتار خلقی گرد اعدام شدند.

بفهرده صفحه ۴

همگامی با نهضت مقاومت خلق کرد وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است

بقیه از صفحه ۳

جمعه ۱۲ اردیبهشت ۵۹ - سنندج

روز قبل از جانب سازمان های سیاسی خلق کرد مشترکا از ساعت ۲۴ روز ۱۱ اردیبهشت ۵۹ آتش بس اعلام می شود

متن اعلامیه مشترک آتش بس به قرار زیر است

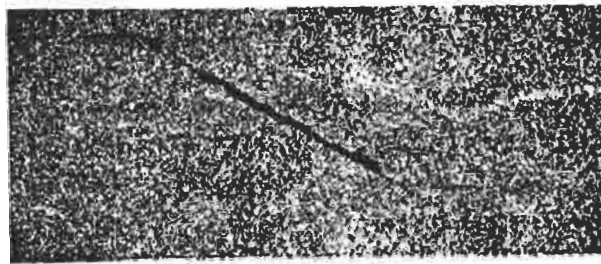
۱- حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (شاخه کردستان) و سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) از ساعت ۲۴ روز ۱۱ اردیبهشت ماه در سراسر کردستان اعلام آتش بس می کنند و از پیشمرگان کوهستان می خواهند که قرار آتش بس را دقیقا رعایت کنند

۲- این آتش بس در صورتی قابل اجرا است که از طرف ریاست جمهوری به عنوان فرمانده کل قوا نیز تواما و در ساعت مقرر به ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران و زاندارمیری کل کشور دستور آتش بس داده و از آنها خواسته شود که قرار آتش بس را محترم بشمارند

۳- برای آگاهی عموم ضرورت دارد قرار آتش بس مکررا از رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی ایران پخش شود

پیشنهاد می شود یک هیئت مورد اعتماد طرفین تعیین گردد و بر رعایت قرار آتش بس نظارت نمایند

حزب دمکرات کردستان ایران - سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (شاخه کردستان) - سازمان انقلابی زحمتکشان ایران (کومله)



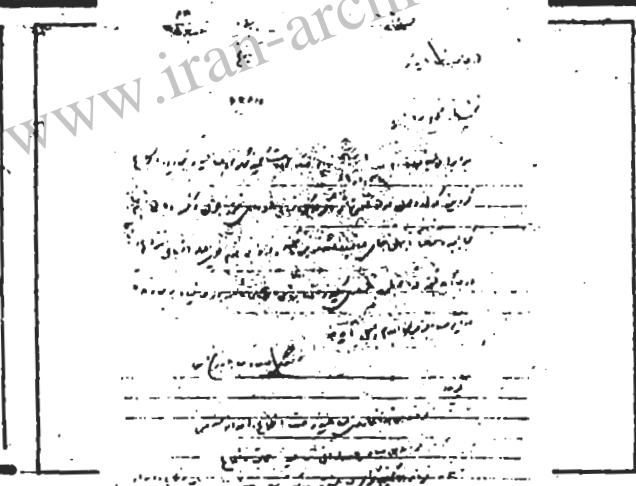
هواپیماهای فانتوم شهرهای کردستان را به راکت می بندند، شهرهایی که جمعیت آنها را اکثریت را زحمتکش ترین و محروم ترین مردم میهن ما تشکیل می دهد، اما هیچ نیرویی نخواهد توانست فریاد بیکپارچه زحمتکشان را خاموش کند. چند روز پیش رزمندگان خلق کرد یکی از همین فانتوم ها را سرنگون ساختند

بنا بر این از آغاز روز دوازدهم اردیبهشت از جانب نیروهای جنبش مقاومت آتش بس رعایت می شود ولی با وجود آرامش نسبی در این روز و همچنان ارتش گاه به گاه شهر را به همپاره می بندد مردم از فرصت استفاده کرده، در شهر جمع آوری اجساد می پردازند

مغازه ها و خانه های مردم که در روزهای گذشته مورد اصابت خمپاره های آتش ز اقرار گرفته اند در حال سوختن اند تا کنون ۲۰۰ دکان در شهر به آتش کشیده شده که هنوز تلاش پیشمرگان برای خاموش کردن آن به نتیجه ای نرسیده است مردم برای کمک به پیشمرگان از خانه هایشان بیرون آمده اند زحمتکشان دلاور کرد سرشار از روحیه مقاومت مصمم اند در برابر دشمن متجاوز و جنایتکار بجنگند

سفر - ۱۴ اردیبهشت ۵۹

با وجود اعلام آتش بس از جانب گروه های سیاسی هر چند شدت درگیری کاهش یافته است ولی جنگ هنوز ادامه دارد در حوالی ساعت ۱ بعد از ظهر ۴ فرزند هلی کوپتر، مردمی را که از مناطق جنگ زده به نقاط دیگر مهاجرت می کردند در جاده سقز - بوکان به گلوله می بندند که گروهی از آنان شهید و زخمی می شوند. اکنون بیمارستان و ستاد زاندارمیری در کنترل پیشمرگان است



جنایاتی که امیر بالیس آمریکا در ویتنام کرد ارتش در کردستان می کند

سند زیر سند جنایت سرکوبگری است که تجربه امیر بالیس آمریکا در ویتنام را در کردستان تکرار می کنند. ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران که به وسیله توپ تانک خمپاره و بمباران شهرهای کردستان نتوانستند خلخ قهرمان کرد را به زانو در آورند اکنون در صددند با حاصره اقتصادی و با جلوگیری از ورود مواد سوختی و مواد غذایی و داروئی آنان را از پای در آورند. ولی اراده خلق کرد این سیاست جنایتکارانه ارتش را نیز شکست خواهد داد

متن سند

از ستاد عملیات کمیته مرکزی شاهین دژ به شرکت نفت شاهین دژ و شرکت های تعاونی روستائی در احمدآباد (خوانا نیست) احتراماً به موجب این حکم به شما مسئولین ابلاغ می گردد که از دادن نفت و مواد مصرفی به افراد کردستان خودداری نمائید و شرکت های فروشگاه های تابعه ابلاغ فرمائید که به هیچوجه به کردستان مواد مصرفی نفرشند و در صورت مشاهده تعقیب خواهند شد
فرمانده ستاد عملیات کمیته مرکزی شاهین دژ
جمشید آغینی زاده